

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ فبروری ۲۰۲۱

حرفهای متناقض "شورای علمای هرات"!!

سه شنبه - ۵ حوت ۱۳۹۹ - شاید شما هم در جریان قرار گرفته باشید که امروز تعدادی از ملا ها زیر نام "شورای علمای هرات"، در آن شهر جلسه ای دایر نموده، ضمن حمایت نیم بند و تعقیب سیاست کج دار و مریز همیشگی که قشر ملا در طرح و تطبیق آن استاد است، قطعنامه ای در ۱۴ ماده نیز صادر نمودند. در یادداشت امروز توجه شما را به چند نکته متناقض در سخنرانی ها، مواد قطعنامه و مواضع ملا های شرکت کننده جلب می نمایم:

آنها گفته و فیصله نموده اند:

- ۱- جنگ در افغانستان مسلمان کشی، برادر کشی و نارواست،
 - ۲- چون هم طالب مسلمان است و هم حاکمیت دولتی حاکمیتی است استوار بر اسلام و نیروهای امنیتی نیز مسلمان است، لذا "صلح فرض" است.
 - ۳- در قطعنامه توضیح داده شده است که نیروهای امنیتی و دفاعی کشور فرزندان «مسلمان و غزبان» این سرزمین اند و کشتار آنان مغایر دستورات دین است.
- هموطنان گرامی!
- به نکاتی که از مجموع سخنرانی و فیصله ها برجسته ساخته ام، لطفاً باز هم دقت نمائید، در اینجا صریحاً تذکار یافته که جنگ فعلی بین دولت دست نشانده و رقبای مسلحش برادر کشی و مسلمان کشی و در نتیجه ناروا بوده بین طرفین برقراری "صلح فرض" است.
- در عین حال زمانی که آنها از نیروهای امنیتی دولت دست نشانده نام می برند آنها را «فرزندان "مسلمان و غزبان" این سرزمین» منظور افغانستان معرفی می دارند.
- کاربرد «فرزندان "مسلمان و غزبان" این سرزمین» می تواند آگاهانه و جهت گریز از طرح مسأله این چنین بیان شده باشد، یعنی در عین حالی که بر مسلمان بودن و غازی بودن پدران نیروهای امنیتی، صحه گذاشته اند، از معرفی هویت خود افراد نیروهای امنیتی طفره رفته اند. یعنی آنها بچه مسلمان هستند، اما خودشان چیستند، اعلامیه در مورد هویت شان سکوت می کند. به تعبیر دیگر از عین متن منظور نویسندگان تصدیق مسلمانی پدران شان در بین نیست، بلکه متن بر "مسلمان" بودن و "غازی" بودن نیروهای امنیتی دولت دست نشانده اقرار می نماید، تعبیری که ممکن است نزدیکتر به هدف گویندگان آن باشد.

بدر نظر داشت این که بر مبنای فهم و اعتقادات اسلامی، "غازی" تنها به آن رزمنده، جنگجو و مجاهدی نسبت داده می شود، که فرد در تقابل با دشمن "کافر" قرار گرفته، آن "کافر" را به قتل رسانیده باشد. در اینجا سوالی مطرح می گردد، که نیروهای امنیتی دولت دست نشانده، کدام "کافر" متجاوز را به قتل رسانده که بتوان آنها را "غازی" نامید. نیروهای امنیتی دولت دست نشانده، در چوکات این نظام و برای حفظ همین نظام عمرش بیش از دو دهه نیست، در بازه زمانی این دو دهه آنها تمام وقت در خدمت اشغالگران قرار داشته همسو و تحت فرمان آنها بر روی مخالفان و رقبای دولت دست نشانده، یعنی طالب و ضمایم آن، آتش گشوده آنها را به قتل رسانیده اند، هرگاه کشتن طالب آنها را "غازی" ساخته است، این حرف بدان معناست که "طالب" نه تنها مسلمان نیست، بلکه "کافر" است، در غیر آن با کشتن طالب کسی "غازی" نمی شود.

از آن گذشته، هرگاه طالب کافر و کشتنش باعث غازی شدن می گردد، چنین جنگی یک جهاد مقدس علیه کفر است، در نتیجه شورای علماء حق ندارد آن را برادر کشی و ناروا اعلام بدارد. هموطنان گرامی!

تنها سوالات بالا نیست که جواب ندارند بلکه در کل سیاست های دولت دست نشانده که هم به میخ می زند و هم به نعل، برخاسته از ماهیت وابستگی و منقاد خودش و حریفانش می باشد. دولت دست نشانده و تمام حامیانش این را خوب می دانند که هم خودشان وابسته و مزدور هستند و هم رقبای قدرت شان در وجود طالب، داعش و بقیه اسلام سیاسی. از همین رو نمی توانند جهت عادلانه، ملی و انقلابی بودن جنگ معیار تعیین نمایند، در نتیجه جهت استدلال دست به دامن اسلام دراز می نمایند، اسلام هم به مثابه محور مشترک هر دو طرف، لعن تاریخ را برای شان به ارمغان می آورد.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!